

بررسی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده مطالعه موردی: محله سنگ سیاه شیراز

داود حبیبی

^۱ کارشناسی ارشد طراحی شهری، مدرس گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۵

(تاریخ دریافت: ۹۲/۰۹/۲۰)

چکیده

سیری گذرا بر سیمای شهرهای تاریخی ایران، بافت‌های قدیمی با ارزشی را به نمایش می‌گذارد که همگی در گذشته نه چندان دور از تحرک و نشاط و سرزندگی مطلوبی برخوردار بوده‌اند. امروزه به دلایل گوناگون بافت‌های فرسوده شهری ما خالی از حضور و فعالیت مردم شده است؛ این در حالی است که اگر این بافت‌ها دارای فضاهای امن و مطلوب و سرزنده باشند و در آن‌ها تفریح سالم و شادابی به گونه‌ای سازمان‌یافته و مطابق با ارزش‌های جامعه میسر گردد، حضور فعال مردم و به تبع آن سرزندگی و زیست‌پذیری افزایش می‌یابد. سامان‌دهی شهرها و بافت‌های تاریخی به دو دلیل، یکی احترام به موارد گذشته‌نگار و دیگری رفع تنگناهای ناشی از مشکلات فرسودگی دارای اهمیت است. کم‌توجهی به برنامه‌های سامان‌دهی و احیای بافت‌های تاریخی فرسوده در طول سالیان متمادی سبب شده است تا آن‌ها سرزندگی و کارایی و فعالیت پیشین خود را از دست بدهند و به عنوان بافت مسئله‌دار و مشکل‌زا در سیستم شهری مطرح گردند؛ لذا همواره ضرورت حفظ و بازآفرینی ارزش‌ها و کارایی و زیست‌پذیری این بافت‌ها مورد توجه معماران و طراحان و برنامه‌ریزان شهری بوده است. مقاله حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده تدوین شده است. در این پژوهش سعی شده است از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بازدید میدانی، وضع موجود تحلیل شود و در نهایت پیشنهادها و راه‌کارهایی برای برون‌رفت از این معضل ارائه گردد. در نهایت این نتیجه حاصل شد که عوامل متعددی نظیر فرسودگی در ابنیه و کالبد و سیمای بافت، عدم برخورداری لازم از تأسیسات و زیرساخت‌ها و خدمات شهری مناسب با نیاز امروز و هم‌چنین نبود زندگی اقتصادی مناسب بافت، سبب افول سرزندگی و زیست‌پذیری و در نهایت فرسودگی بافت سنگ سیاه شیراز شده است.

واژگان کلیدی: سرزندگی، زیست‌پذیری، محله سنگ سیاه، بافت تاریخی، بافت فرسوده.

۱. روش تحقیق

نگرش حاکم بر این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای، میدانی و تحلیلی است. در این تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای تعاریف و نظریه‌های مرتبط جمع‌آوری شده است. هم‌چنین بخشی از اطلاعات مورد نیاز از طریق بازدید از منطقه مورد مطالعه به دست آمده است. در مرحله بعد به تحلیل وضع موجود پرداخته و در نهایت پیشنهادها را لازم ارائه شده است. در این تحقیق، محله سنگ سیاه شیراز به عنوان نمونه، مطالعه بررسی و تحلیل شده است.

۲. پیشینه تحقیق

شاید بتوان گفت اولین مفهوم زیست‌پذیری تحت عنوان «خیابان‌های زیست‌پذیر» را دانلد اپلیارد در سال ۱۹۸۱ ارائه کرد. اپلیارد به اتفاق الن جیکوبز هفت هدف ضروری را برای آینده محیط خوب شهری بیان کرد که اولین هدف زیست‌پذیری بود (بندرآباد، ۱۳۹۰).

دو تن از مشهورترین افرادی که به طور خاص به موضوع سرزندگی پرداخته‌اند، جین جیکوبز و کوین لینچ هستند (خستو و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۹). جیکوبز چهار شرط اصلی را برای خلق تنوع بارور در خیابان‌ها و نواحی شهری و در نتیجه سرزندگی شهری بیان می‌کند: ۱- ترجیحاً محدوده دارای بیش از دو کارکرد اصلی باشد، ۲- غالب بلوک‌ها کوتاه باشند، ۳- منطقه ترکیبی از ساختمان‌هایی با سن و شرایط متفاوت باشد، ۴- تراکم فشرده کافی مردم، صرف نظر از علت حضورشان، وجود داشته باشد. او در شرط اول بر روی تنوع کاربری، در شرط دوم و سوم بر روی تنوع کالبدی و در شرط چهارم بر تنوع فعالیت‌ها تأکید می‌کند. به اعتقاد او تنوع، سرزندگی را به دنبال خواهد داشت؛ البته این کاربری‌ها هستند که فعالیت‌ها را پدید می‌آورند. کاربری‌های مختلط، بدون شک تنوع فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد و در نتیجه، تنوع افراد مراجع‌کننده در ساعات متفاوت روز افزایش می‌یابد. بنابراین یکی از ملزومات سرزندگی خیابان، وجود کاربری‌های مختلط و متنوع است. ولی تنوع تنها یکی از ملزومات ایجاد سرزندگی و پویایی در هر فضایست و عناصر قدرت‌مند دیگری نیز وجود دارند که در ایجاد فضای شهری سرزنده تأثیرگذار هستند؛ به عنوان نمونه در مقیاس خرد، طراحی شهری جذاب و متناسب با فعالیت‌ها، که باعث جلب افراد به آنجا می‌شود و در مقیاس کلان، عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی که از برون بر فضا تأثیر می‌گذارند، در این زمینه مؤثر هستند (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

کوین لینچ در کتاب تئوری شکل شهر عمده‌تأ سرزندگی را در مقیاس کلان مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است سرزندگی به همراه پنج عامل دیگر معنا، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت، محورهای عملکردی شکل خوب شهر را تشکیل می‌دهند. او سرزندگی را به چند بخش تقسیم می‌کند که عبارتند از: بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد؛ ایمنی، نبود سموم زیست‌محیطی و خطرات؛ سازگاری،

به دنبال تحولات بسیار زیاد در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فناوری و پیامدهای ناشی از هجوم و تمرکز جمعیت‌ها و فعالیت‌ها به بخش مرکزی شهرها، این بافت‌ها دچار افت فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی شدند. این فرآیند سبب شد با گذشت زمان، بافت‌های قدیمی پویایی و سرزندگی خود را از دست بدهند و محله‌های قدیمی شهری به محله‌های پست و مشکل‌دار تبدیل شوند و دچار عدم تعادل گشته، قادر به پاسخگویی نیازهای جدید جوامع شهری نباشند (خانگل‌زاده: ۱۳۸۶: ۲). این در حالی است که بافت‌های قدیمی و فرسوده شهری به دلیل مرکزیت، سهولت دسترسی و استقرار بازار (فعالیت‌های تجاری) و داشتن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی دارای ظرفیت بالقوه‌ای برای زندگی پویا هستند. علی‌رغم این ویژگی‌ها محله‌های مسکونی این بافت‌ها به دلایلی از جمله بافت سنتی شبکه معابر، فرسودگی واحدهای مسکونی، ضعف زیرساخت‌ها و مشکلات زیست‌محیطی، مسیر رکود و عقب‌ماندگی را طی می‌کنند. مجموعه این عوامل سبب کاهش مطلوبیت و سرزندگی در این بافت‌ها شده است (رهبان، ۱۳۸۸: ۲). امروزه بافت‌های فرسوده، سازگاری چندانی با شرایط اقتصادی-اجتماعی عصر حاضر نداشته و فقدان دسترسی مناسب به معیارهای زندگی امروزین از مشکلات اساسی و عمده بافت‌های فرسوده و عدم سرزندگی و زیست‌پذیری آن‌هاست.

تحولات زندگی شهرنشینی چند دهه اخیر بافت‌های قدیمی را با مشکلات بسیاری در ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، تأسیسات، تجهیزات شهری و سایر امکانات شهری مواجه ساخته است. مجموعه این مشکلات دست به دست هم داده تا زمینه مناسبی برای فرسودگی و عدم سرزندگی و زیست‌پذیری در این بافت‌های بارز فرام‌آورد (بوچانی، ۱۳۸۳). در حالی که بهسازی و نوسازی فضاهای زیستی، فقط ساخت‌وسازهای فیزیکی و کالبدی شهر و بافت‌های قدیمی را در بر نمی‌گیرد، آنچه امروزه مورد توجه است سرزندگی فضاهای شهری و بافت‌های فرسوده است که پژوهشگران در سال‌های اخیر به آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند (شعاعی و پوراحمد، ۱۳۸۴). اگر شهر را موجودی زنده در نظر بگیریم، برای ادامه زندگی به سرزندگی و نشاط نیازمند است. نقش فضاهای شهری - فضاهایی که در آن‌ها تعاملات اجتماعی شهروندان شکل می‌گیرد و فرهنگ جامعه در بستر آن القا می‌شود - در کشور ما روز به روز در حال افول است. واضح است لازمه سرزندگی، حضور مردم است. امروزه به دلایل گوناگون بافت‌های فرسوده شهری ما خالی از حضور و فعالیت مردم شده است؛ این در حالی است که اگر این بافت‌ها دارای فضاهای امن و مطلوب و سرزنده باشند و در آن‌ها تفریحات سالم و شادابی به گونه‌ای سازمان‌یافته و مطابق با ارزش‌های جامعه میسر گردد، حضور فعال مردم و به تبع آن سرزندگی و زیست‌پذیری افزایش می‌یابد. حال باید دید که چه اصول و راه‌کارهایی در سرزندگی بافت‌های فرسوده و تاریخی مؤثر است و این که زیست‌پذیری تحت تأثیر چه عواملی است؟

هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسان؛ سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۶۶-۱۵۵). لینچ در طبقه بندی خود، عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و اکولوژیکی را مدنظر قرار داده و عواملی نظیر مسائل اجتماعی و فرهنگی را که به اندازه عوامل اکولوژیکی در این بحث دارای اهمیت هستند، نادیده گرفته است. بنابراین به منظور دستیابی به محیطی سرزنده و پویا، می توان با دید جامع تری به موضوع نگرست تا امکان طبقه بندی کامل تری فراهم گردد.

افرادی نیز به سرزندگی فضای شهری پرداخته اند. پامیر در کتاب خلق یک مرکز شهری پر جنب و جوش عوامل مؤثر بر مکان عمومی موفق و پر جنب و جوش را این چنین معرفی می نماید: ۱- موقعیت مکان: جایگاه فضای عمومی موفق باید به گونه ای باشد که پذیرای جمع کثیری از افراد باشد؛ به علاوه در نزدیکی مراکز خرده فروشی باشد به گونه ای که جاذب و تولیدکننده فعالیت پیاده گردد. ۲- اندازه مکان: اندازه فضای عمومی موفق باید به گونه ای باشد که گنجایش تفریح جمعی و رویدادها را داشته باشد، ولی نه آن قدر بزرگ که محصوریت فضا از بین برود. ۳- برنامه ریزی مکان: ایجاد فضای زنده و دوستدار مردم هنگامی امکان پذیر است که اطراف آن مکان توسط مغازه های خرده فروشی، رستوران ها و کافه ها احاطه شده باشد. در نظر او یکی از راه های کسب موفقیت در فضای شهری، ایجاد فعالیت های تجاری به خصوص خدمات خوراکی است. ۴- طرح مکان: طراحی مکان باید ظرفیت فضا را برای جذب و مطابقت فعالیت ها افزایش دهد. در این باره به مواردی نظیر نشیمن گاه مناسب، کاربری منعطف، راحتی، سازگاری و کیفیت بالا در عین سادگی اشاره می کند (paumier, 2007: 69-73).

هم چنین کوروش گلکار در پژوهشی که درباره سرزندگی شهر به انجام رسانده، سرزندگی شهری را معادل واژه «livability» یا «Liveliness» دانسته، آن را به عنوان یکی از مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری تعریف نموده است. وی معتقد است سرزندگی به همراه شانزده کیفیت دیگر شامل خوانایی، شخصیت بصری، حسن زمان، غنای حسی، رنگ تعلق، آموزشی، نفوذپذیری و حرکت، اختلاط کاربری و فرم، همه شمول بودن، کیفیت عرصه همگانی، آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت، انعطاف پذیری، همسازي با طبیعت، انرژی، کارایی و پاکیزگی محیطی، پدیده ای به نام کیفیت طراحی شهری را می آفریند (گلکار، ۱۳۸۶: ۳-۱). نگرش ایشان به لحاظ کالبدی کاملاً مورد قبول است، با این تفاوت که رویکرد مقاله حاضر معطوف به سرزندگی بافت های فرسوده است.

۳. مبانی نظری

هر بافت شهری از دو بخش تشکیل شده است: کالبد (فرم) و کارکرد (نقش). بخش هایی از بافت شهری که کیفیت های کالبدی و کارکردی آن ها کاهش یافته و مختل گردیده است، بافت فرسوده خوانده می شود (داودپور و نیک نیا، ۱۳۹۰). فرسودگی نیز بر دو

نوع است: کالبدی و عملکردی. هرگاه فعالیت ها و کاربری ها پاسخگوی نیازها باشد، ولی کالبد آسیب دیده باشد و بالعکس، با فرسودگی نسبی و هرگاه هر دو نوع فرسودگی حادث شود با فرسودگی کامل مواجه هستیم (عزیزی و آراسته، ۱۳۸۹). سرزندگی و پویایی فضای شهری و در مقابل، ملال انگیزی آن بازتاب شمار و به خصوص نوع فعالیت ها و رویدادهایی است که در فضا صورت می پذیرد. بنابراین برای شناسایی سرزندگی ابتدا باید به بررسی فعالیت ها بپردازیم (پاکزاد، ۱۳۸۶). فعالیت، هر یک از افعال انسانی است که در جهت برآوردن یکی از نیازهای او انجام می شود. یان گهل، شهساز دانمارکی، فعالیت ها را به لحاظ اجباری یا اختیاری بودن به سه دسته تقسیم می کند که عبارتند از: فعالیت های ضروری (اجباری) مانند رفتن به مدرسه یا محل کار، منتظر ماندن در ایستگاه اتوبوس و خرید. فعالیت های انتخابی (تفریحی) مانند رفتن به بوستان و به طور کلی تفریح، و فعالیت های اجتماعی مانند تماشای کردن دیگران، صحبت کردن، جلب توجه کردن (Gehl, 1987: 1-10).

برای مفهوم سرزندگی، برابری های گوناگونی در غرب وجود دارد. در لغت نامه شهرسازی رابرت کوان سرزندگی و زیست پذیری در کنار هم آمده و به عنوان ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق تعریف شده است (Cown, 2005: 442). سرزندگی شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش های مختلف است؛ در صورتی که زیست پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت جذب سرمایه برای بقا، بهبود و تطابق نیازهای فضای شهری سرزنده در نظر گرفته شده است. بنابر این «فضای شهری سرزنده» فضایی است که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد متنوع (به لحاظ سن و جنس) در گستره زمانی وسیعی از روز، که فعالیت های شان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می یابد، مشاهده می شود. چارلز لاندی مفهوم سرزندگی را به گونه ای متفاوت بررسی نموده است. او سرزندگی و زیست پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسأله پرداخته است. ۹ معیار مؤثر را برای شناسایی شهر سرزنده و زیست پذیر برمی شمرد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. او نسبت به افراد دیگر با دید جامع تری سرزندگی شهر را به شکل موضوعی بررسی کرده و به عوامل مؤثر بر آن ها اشاره نموده است (Landry 2000: 4). جدول شماره ۱ چکیده مواردی است که لاندی به آن ها اشاره نموده است.^۱

اونس بر آن است که زیست پذیری دو بعد دارد: ۱- ابزار معیشت، شامل شغلی است که بتوان با درآمد آن به راحتی اجاره مسکن (مسکن آبرومندانانه) را پرداخت، و دسترسی به خدماتی که زیست گاه سالم را به وجود می آورد، ۲- پایداری بوم شناسانه، یعنی ابزار معیشت پایدار باشد. بدین معنا که تقاضا برای شغل و مسکن از طریق تخریب محیط شهر برآورده نشود، بلکه اشتغال و مسکن به صورت واقعی حل شود.

جدول شماره ۱: انواع سرزندگی و زیست پذیری از دیدگاه چارلز لاندری

<p>۱- سرزندگی اقتصادی: با متغیرهای سطوح اشتغال، درآمد خالص و استانداردهای زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالیانه گردشگران، عملکرد خرده‌فروشی‌ها، ارزش زمین و دارایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.</p>	<p>انواع سرزندگی و زیست پذیری</p>	<p>زیست پذیری خوداکتفایی بلند مدت، پایداری، سازگاری، انطباق پذیر و خودحیایی؛ سرزندگی سطوح فعالیت، استفاده و مشارکت، تعاملات، ارتباطات، مبادلات و معاملات و سطوح نمایش (چگونگی تظاهر فعالیت‌ها و تعاملات در جهان بیرونی)</p>
<p>۲- سرزندگی اجتماعی: با متغیرهای سطوح فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می‌شود. شهر سرزنده و زیست پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند با سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و جامعه شهری با طراوت توصیف گردد.</p>		
<p>۳- سرزندگی و زیست پذیری محیطی: دو جنبه را دربرمی‌گیرد؛ اول پایداری اکولوژیکی که با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت، دفع مواد زائد و فاضلاب، انبوهی ترافیک و فضاهای سبز سنجیده می‌شود و جنبه دوم، طراحتی است که متغیرهایی مانند خوانایی، حس مکان، تمایز معمارانه، اتصال و ارتباط بخش‌های مختلف شهر، کیفیت روشنایی و اینکه محیط شهری تا چه حد دوستانه، امن و به لحاظ روان‌شناسی نزدیک‌شدنی است، دربرمی‌گیرد.</p>		
<p>۴- سرزندگی و زیست پذیری فرهنگی: دربرگیرنده بقاء، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشن‌های اجتماعی، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست‌ساخت و نشانه‌هایی است که بیانگر ماهیت متمایز شهر است.</p>		

مأخذ: Landry, 2000

متعددی دارند و روح جستجوگر زیبایی شهروندان را متناسب با سلیقه‌های امروزی سیراب نمی‌کنند و باعث رویگردانی آن‌ها می‌شوند (تصویر شماره ۱).

ب) میزان برخورداری از شبکه‌های دسترسی، زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری: سطح شبکه‌ها و معابر دسترسی به خدمات شهری در این محله کافی نیست. اغلب معابر کم‌تر از ۶ متر عرض دارد که به هیچ وجه متناسب با زندگی شهری امروزی نیست. تأسیسات و زیرساخت‌های شهری به دلیل گذشت زمان، فرسوده شده است و پاسخگوی نیاز شهروندان نیست (تصویر شماره ۲).

ج) میزان بهره‌مندی از خدمات شهری: در این محله برخی خدمات فرهنگی، آموزشی و شهری به لحاظ کمی و کیفی وجود ندارد و برخی خدمات نیز ناقص است. در این محدوده به هیچ عنوان مراکز فرهنگی و عمومی نظیر کتابخانه‌های عمومی، فرهنگ‌سراها و مراکز بهداشتی، درمانی، امداد و نجات، فضاهای سبز و عمومی لازم و کافی، مهدکودک و امثال آن وجود ندارد.



تصویر شماره ۱: دو نما از فرسودگی بافت محله سنگ سیاه

لنارد شهرهای زیست پذیر را مکان‌هایی برای زندگی اجتماعی و ارتباط و گفتگو معرفی می‌کند. در نظر او این شهرها به خلق معماری و منظر خیابان و طراحتی فضاهای عمومی توجه دارند و این موضوع حضور ساکنان شهر را در قلمروی عمومی و در قلب شهر میسر می‌کند. چنین شهرهایی متعدد به کاهش ترافیک و آلودگی و به‌کارگیری سازوکارهای ضروری آن هستند (بندرآباد، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۰).

۴. تحلیل نمونه مطالعه

محله سنگ سیاه، یکی از محله‌های شیراز قدیم است. از زمان کریم خان زند که محله‌ها را کم‌تر و کوچک‌تر و حصار شهر را تنگ‌تر کردند، محله درب کازرون که محله‌ای جداگانه بود در این محله ادغام شد. این محله از شمال به محله سرباغ و محله میدان شاه، از غرب به محله باروی شهر، از جنوب به محله دروازه کازرون و از شرق به محله سردک محدود می‌شد. از بناهای شاخص محله می‌توان به امام‌زاده بی‌بی دختران، مسجد ایلخانی، حمام ایلخانی، مسجد مشیر، حسینیه مشیر، بازارچه آرامنه، کلیسای آرامنه، حسینیه کردها، خانه فروغ‌الملک، خانه سعادت، خانه ضیائیان، بازارچه حاج زینل و آرامگاه سید تاج‌الدین غریب اشاره کرد.

این محله با توجه به معیارهای زیر انتخاب شد: ۱- محدوده حداقل جذابیت را برای جذب افراد دارد، ۲- سرزندگی محدوده مورد نظر در معرض افول است. با توجه به مشاهده‌های صورت گرفته و هم‌چنین مستندات موجود می‌توان عوامل افول حس سرزندگی و زیست پذیری محله سنگ سیاه را چنین برشمرد:

الف) ویژگی‌های کالبدی، سیما و منظر شهری: اغلب واحدهای ساختمانی در این بافت فاقد سیستم سازه‌ای و فاقد هرگونه محاسبات فنی برای مقاومت در برابر سوانح طبیعی از جمله زلزله هستند. واحدهای فرسوده، به لحاظ زیبایی بصری، ناهنجاری‌های



تصویر شماره ۴: فضاهایی در محله سنگ سیاه که مستعد حضور معناتان و بزهکاران است



تصویر شماره ۵: ریختن بخشی از سقف ساختمان بر اثر باریدن باران



تصویر شماره ۶: یکی از واحدهای تجاری در محله سنگ سیاه

نتیجه‌گیری

ابتدا باید اشاره کرد که فضایی را می‌توان سرزنده دانست که، در ساعات بسیاری از روز، افراد گوناگونی به اختیار خود و نه از روی اجبار به آن جا آمده و لحظاتی را در آن جا سپری نمایند؛ به عبارت دیگر، فضا باید به گونه‌ای باشد که مردم بیایند و بمانند. برای فراهم بودن زمینه جذب افراد به فضا و سپس نگاه‌داشتن آن‌ها در فضا باید نخست عناصر و عوامل جذب‌کننده موجود باشد و مردم برای ماندن در فضا دچار مشکل نباشند و در کمال رضایت به سر برند. با وجود تمام ارزش‌های نهفته در بافت محله سنگ سیاه شیراز به علت مسائل و مشکلاتی از قبیل نبود زیرساخت‌ها و شبکه‌های دسترسی و تأسیسات شهری مناسب، کمبود و نارسایی فضاهای آموزشی، ورزشی، بهداشتی و فضای سبز، گسیختگی سیمای



عکس شماره ۲: دو نما از معابر و شبکه دسترسی در محله سنگ سیاه



تصویر شماره ۳: فضای باز عمومی در محله سنگ سیاه

(د) ویژگی اجتماعی و فرهنگی: افزایش فرسودگی، از بین رفتن مرغوبیت و تنزل رتبه اجتماعی محدوده، باعث افزایش مهاجرت افراد اصیل و بومی با توان اقتصادی مطلوب و جایگزینی افراد با توان اقتصادی پایین‌تر و افشار مبتلا به آسیب‌های اجتماعی نظیر معناتان و نیز مهاجران بیگانه شده است. برخی آمارها نشان می‌دهد، نسبت مستأجران به مالکان ساکن در محدوده به شدت بیشتر شده است (تصویر شماره ۴).

(و) به دلیل پایین بودن میزان مقاومت واحدهای فرسوده در برابر سوانح طبیعی، برخی واحدها حتی با بارش باران فرو می‌ریزند. این امر به میزان قابل توجهی، سطح امنیت روانی ساکنان را کاهش داده است (تصویر شماره ۵).

(ه) ویژگی مالی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری: بیش‌تر محدوده بافت‌های فرسوده شهری به‌ویژه در لایه‌های مرکزی شهرها از چرخه و حیات اقتصادی شهر خارج شده است. از بین رفتن توجیه اقتصادی و مالی موجب فرار سرمایه از این محله و عدم سرمایه‌گذاری در آن گردیده است (تصویر شماره ۶).

کالبدی بافت و نارسایی آن در برآوردن و تأمین نیازهای امروزی ساکنان، عدم توجه به اماکن باارزش مقدّس و تاریخی و فرهنگی و توان بالقوه آن‌ها در جذب افراد، سبب شده که این بافت دچار افول و فرسودگی شود.

با توجه به مستندات و بازدیدهای صورت گرفته، مشخص شد این محله از نظر دارا بودن عوامل جذب‌کننده افراد و عواملی که به محیط و فضا حس سرزندگی می‌بخشد، دچار مشکلات بسیاری است. عدم توجه به ظرفیت‌های بدون استفاده در این بافت سبب شده است که بعد تاریخی و فرهنگی این محله فراموش شود. ساختمان‌ها سیستم سازه‌ای مناسب و استحکام لازم را ندارند و هم‌چنین به لحاظ دید بصری دچار ناهنجاری‌های متعدّد هستند.

پیشنهادها

۱. شهرداری‌ها و دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات شهری می‌توانند در جهت اصلاح و بهبود شبکه‌های دسترسی و زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری و هم‌چنین ایجاد فضاهای عمومی و فضاهای سبز که حس سرزندگی و تعاملات اجتماعی را رونق می‌بخشد و هم‌چنین در جهت تطبیق ساختار و کالبد قدیمی با شرایط زندگی امروزی ساکنان بویژه حل مشکل عبور و مرور وسایل نقلیه و امدادسانی در مواقع بحرانی، سیاست‌ها و برنامه‌های کارشناسی شده را پیش ببرند. این سازمان‌ها می‌توانند با استقرار کاربری‌های مناسب در بافت و با توجه به اصول زیر، پویایی و جذب افراد را در محله افزایش دهند:

- رفع کمبودها در سرانه‌های کاربری‌های خدماتی مورد نیاز محله،

- تجمّع فعالیت‌ها و ایجاد مراکز محله،

- توجه به پیاده‌مداری و حرکت پیاده در بافت،

- ارائه برنامه‌های تشویقی و ترغیبی و حمایتی نظیر مشاوره رایگان و ارزان قیمت، حذف عوارض شهرداری‌ها، صدور پروانه رایگان و ارزان، تخصیص مصالح ارزان برای ساخت بناهای متناسب با ضوابط معماری.

۲. سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط با حفظ و نگهداری میراث ملی و فرهنگی و تاریخی می‌توانند با تعاملات سازنده با سایر دستگاه‌ها در جهت بهسازی و نوسازی و مرمت این آثار گامی اساسی بردارند و از تخریب کامل این آثار باارزش جلوگیری به عمل آورند و توان بالقوه محله را برای جذب افراد و حتی گردشگران، بالفعل کنند.

۳. سرمایه‌گذاری در این بخش و ایجاد مراکز تجاری و بافت تجاری به عنوان عامل مهمی در ایجاد حس سرزندگی می‌تواند نقش بسزایی در جذب هرچه بیشتر افراد و تقویت حس سرزندگی در بافت ایفا کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این باره می‌توان به *Viability*, *Livability*, *Liveness* و *Vitality* اشاره کرد، که به جز *Vitality*، لغات دیگر، بیش‌تر به مفهوم زیست‌پذیری و قابلیت زندگی نزدیک هستند.

۲. صاحب‌نظران این حوزه عبارتند از: لینچ، جیکوبز، اپلبارد، لنارد، اونس، لاندری.

فهرست منابع و مراجع

۱. بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۰)، *شهر زیست‌پذیر از مبانی تا معانی*، انتشارات آذرخش، تهران.
۲. بوچانی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «نوسازی بافت کهن قزوین آزمونی برای مدیریت شهری»، *مجله شهرداری‌ها*، سال ششم، شماره ۷۰.
۳. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶)، *مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری*، انتشارات شهیدی، چاپ دوم، تهران.
۴. جیکوبز، جین (۱۳۸۶)، *مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی*، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. خانگل‌زاده، فاطمه (۱۳۸۶)، *نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهرستان بابل*، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه مازندران.
۶. خسرتو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹)، *عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری (خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده)*، هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، بهار و تابستان.
۷. داوودپور، زهره و نیک‌نیا، ملیحه (۱۳۹۰) «بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری راهبردی به سوی دستیابی به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری»، *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، شماره ۱۵.
۸. رهبان، صلاح‌الدین (۱۳۸۸)، *تحلیل اجتماعی - اقتصادی بافت‌های فرسوده جهت ساماندهی آن‌ها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
۹. شمعی، علی و پوراحمد، احمد (۱۳۸۴)، *بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. عزیزی، محمد مهدی و آراسته، مجتبی (۱۳۸۹)، «ارزیابی موفقیت طرح‌های تجمیع در بافت تاریخی شهر یزد»، *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، شماره ۵، ص ۲۸-۱.
۱۱. گلکار، کورش (۱۳۸۶)، «مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری»، *مجله صفا*، شماره ۴۴، سال ۱۶.
۱۲. لینچ، کوین (۱۳۸۱)، *تئوری شکل شهر*، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

13. Cown (Cowan), Robert (2005), "the dictionary of urbanism", **street wise press**.
14. Gehl, John (1987), "life between buildings", **van nosstrand Reinhold press**.
15. Landry, Charles (2000), "urban vitalits A new source of urban competitiveness", **prince claus fund journal**.
16. Paumier, cy (2007), "creating a vibrant city center (ULI urban land institute)", **Washington, d.c**